

تخت پروکروستس

گزين گويه‌هاى فلسفى و عملى



نسيم نيکلاس طالب

ترجمه طاهره شفيعى | با ويراستارى تخصصى بهنام فلاح

سرشناسه	: طالب، نسیم نیکلاس. Taleb, Nassim Nicholas
عنوان و نام پدیدآور	: تخت پروکروستس / نسیم نیکلاس طالب. ترجمه طاهره شفیعی.
مشخصات نشر	: تهران، نوین توسعه، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ صفحه
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۱۳-۰۵-۰
فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Bed of Procrustes, 2016
موضوع	: گزیده‌گویی‌های فلسفی و کاربردی
رده‌بندی کنگره	: PN ۶۲۷۱
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۸ / ۶۰۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۳۱۵۶۶۴

تمامی حقوق این اثر، از جمله حق انتشار تمام یا بخشی از آن، برای ناشر محفوظ است.

عنوان	:	تخت پروکروستس
مؤلف	:	نسیم نیکلاس طالب
مترجم	:	طاہرہ شفیعہ
ویراستار	:	نیلوفر طہرانچی
ویراستار تخصصی	:	بہنام فلاح
طراح جلد	:	الناز ناصر آج بیشہ
صفحه آرا	:	صبا کریمی
زمان و نوبت چاپ	:	۱۴۰۲، اول، ۱۰۰۰ نسخه
ناشر	:	نشر نوین توسعه
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۵۲۱۳-۰۵-۰
قیمت	:	۹۵,۰۰۰ تومان

تعهد ما به پایداری محیط زیست

کاغذ بالکی، کاغذی سبک، خوش رنگ و زیست محیطی است که در کشورهای باران خیزی همچون سوئد و فنلاند تولید می شود و مخصوص چاپ کتاب است.

ما نیز کتاب های نشر نوین را روی این کاغذها چاپ می کنیم تا علاوه بر ساختن تجربه خوب مطالعه برای خوانندگانمان، با هم گامی در جهت حفظ محیط زیست نیز برداریم.

 nashrenovin.ir

 nashrenovin.ir

 nashrenovin

تخت پروکروستس، کتابی مستقل در مجموعه کتاب‌هایی با نشان اختصاصی «*Incerto*» (واژه‌ای لاتین به معنای «ابهام») از نسیم نیکلاس طالب است که به بررسی ابهام، شانس، عدم قطعیت، احتمالات، خطاهای انسانی، ریسک و تصمیم‌گیری در دنیایی می‌پردازد که ما آن را درک نمی‌کنیم. از دیگر کتاب‌های این مجموعه می‌توان به «فریفته تصادفی بودن ۱۲»، «قوی سیاه ۳»، «پادشکننده ۴» و «پوست در بازی ۵» اشاره کرد.

در این مجموعه از گزین‌گویی‌ها و تأملات، نویسنده کتاب کلاسیک-مدرن «قوی سیاه» ایده‌های اصلی خود را به سبکی بیان می‌کند که انتظارش را ندارید.

«تخت پروکروستس» عنوان خود را از اساطیر یونانی گرفته است؛ این داستان دربارهٔ مردی است که مهمان‌ها را با کشیدن یا بریدن اندام‌هایشان به اندازه تخت خود در می‌آورد. این داستان نمایانگر دیدگاه طالب در مورد پیامدهای ناخواستهٔ غرور بیش از حد تمدن مدرن است؛ تغییر انسان‌ها برای اینکه با تکنولوژی هم‌خوان شوند، سرزنش واقعیت برای اینکه با مدل‌های اقتصادی هماهنگ نیستند، اختراع بیماری‌ها برای فروش دارو، تعریف هوش به عنوان آنچه در کلاس درس می‌توان آموخت و متقاعد کردن مردم به این امر که کارمندی نوعی بردگی نیست.

این گزین‌گویی‌های بازی‌گوشانه و گستاخانه با افشای خودفریبی‌هایی که تاکنون با آن‌ها زندگی می‌کردید، اما هرگز آن‌ها را تشخیص نداده بودید، شما را شگفت‌زده می‌کنند.

نسیم طالب با ترکیبی نادر از شوخ‌طبعی و خردی نیرومند، توهمات انسانی را زیر و رو می‌کند و ارزش‌های کلاسیک شجاعت، ظرافت و فضل و دانش را در برابر بیماری‌های مدرن خوره بودن، نافرهیختگی و حقه‌بازی قرار می‌دهد.

فایننشال تایمز: «اندیشه‌های ارزشمند و بلورین طالب هر یک به شعری رازآلود می‌ماند.»

۱. نشر آریانا قلم این کتاب را با نام «فریب‌خورده تصادف» و نشر میلکان این کتاب را با نام «فریفته تصادف» چاپ کرده‌اند.

2. Fooled by randomness

۳. طالب، نسیم نیکلاس (۲۰۰۷)، قوی سیاه، ترجمهٔ محمدابراهیم محجوب، انتشارات آریانا قلم

۴. طالب، نسیم نیکلاس (۲۰۱۲)، پادشکننده، ترجمهٔ مینا صفری، نشر نوین

۵. طالب، نسیم نیکلاس (۲۰۱۸)، پوست در بازی، ترجمهٔ هادی بهمنی و سعید رضائی، نشر نوین

فهرست

- پروکروستیس ۹
- تذکر ۱۲
- پیش‌گفتار ۱۳
- پاد روایت‌ها ۱۹
- موضوعات هستی‌شناسانه ۲۷
- مقدس و نامقدس ۲۹
- شانس، موفقیت، شادکامی و رواقی‌گری ۳۳
- مشکلات کم‌وبیش جذاب ساده‌لوحی ۴۱
- تسنوس یا زیستن به سبک باستان ۴۵
- جمهوری نامه‌ها ۵۱
- عام و خاص ۵۹
- فریفته تصادفی بودن ۶۱
- زیبایی‌شناسی ۶۵

- ۶۷ اخلاق
- ۷۷ استحکام و پادشکنندگی
- ۸۱ مغلطه بازی‌پنداری و وابستگی به دامنه
- ۸۵ شناخت‌شناسی و دانش حذفی
- ۸۹ رسوایی پیش‌بینی
- ۹۱ در باب فیلسوف بودن و فیلسوف ماندن
- ۹۵ زندگی اقتصادی و سایر موضوعات بسیار عامیانه
- ۱۰۱ حکیمان، ضعیفان و شریفان
- ۱۰۷ ضمنی و صریح
- ۱۱۱ در باب انواع عشق و غیرعشق
- ۱۱۵ پایان
- ۱۱۷ پس‌گفتار
- ۱۲۵ درباره نویسنده

تقدیم به
الکساندر نیکلاس طالب

توضیح مترجم

توضیح برخی کلمات با اصطلاح‌ها را در پاورقی اضافه کرده‌ام یا داخل [] نوشته‌ام، با اینکه می‌دانستم نویسنده را خوش نمی‌آید و معتقد است که «گزین‌گویی‌ها اگر تشریح شوند، فریبندگی و جذابیت خود را از دست می‌دهند».

اما توضیحات داخل پرانتز () و ستاره‌دار از خود نویسنده است.

نسیم طالب این کتاب را برای نخستین بار در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد و سپس در اواخر سال ۲۰۱۶ ویرایش دوم آن را منتشر کرد. در ویرایش دوم، حجم کتاب حدوداً یک و نیم برابر شده و ۲۱۷ گزین‌گویی به آن افزوده شده است.

پروکروستس

در اسطوره‌های یونانی، پروکروستس^۱، مالکِ ستمگر یک ملکِ کوچک در کوریدالوس^۲، آتیکا^۳، بود که بین راه آتن^۴ و آلوپس^۵ قرار دارد. در این ملک مراسم رازآلودی اجرا می‌شد. پروکروستس شیوهٔ مهمان‌نوازی عجیبی داشت. او رهگذرها را می‌ربود، از آن‌ها با شامی مفصل پذیرایی کرده و بعد از آن‌ها دعوت می‌کرد تا شب را در تخت خواب نسبتاً خاصی سرکنند. او اصرار داشت که تخت کاملاً اندازهٔ مهمان‌ها باشد؛ آن‌هایی که خیلی قد بلند بودند پاهایشان را با تبر تیزی قطع می‌کرد و آن‌هایی را که خیلی کوتاه بودند آن قدر می‌کشید تا هم‌اندازهٔ تخت شوند (نام او را داماستس^۶ یا پلیفمون^۷ گفته‌اند، اما به او لقب پروکروستس داده بودند؛ به معنی «کش‌آورنده»).

پروکروستس به‌حق در چاهی افتاد که خودش کنده بود^۸. از قضا یکی از این رهگذرها تسئوس^۹ بی‌باک بود که بعدها مینوتور^{۱۰} را در دوران قهرمانی خود از پای درآورد. تسئوس بعد از صرف شام مرسوم، پروکروستس را وادار کرد در تخت خودش بخوابد. آن وقت برای اینکه او را کاملاً اندازهٔ تخت کند، سرش را از تنش جدا کرد. به این ترتیب، تسئوس از شیوهٔ هرکول برای مقابله به مثل استفاده کرد.

-
1. Procrustes
 2. Corydalus
 3. Attica
 4. Athens
 5. Eleusis
 6. Damastes
 7. Polyphemon
 8. hoisted by his own petard
 9. Theseus
 10. Minotaur

۸. عبارت از نمایشنامه هملت شکسپیر، که به ضرب المثل تبدیل شده است.

در نسخه‌های شیطانی‌تر (مانند آنچه در دایرةالمعارف اساطیر یونانی تحت عنوان «کتابخانه» منتسب به آپلودوروس^۱ آمده است)، پروکروستس دو تخت داشت، یکی کوچک و دیگری بزرگ. او قربانیان کوتاه قد را وادار می‌کرد روی تخت بزرگ و قربانیان بلند قد را وادار می‌کرد تا روی تخت کوچک دراز بکشند.

هر یک از گزین‌گویی‌های این کتاب دربارهٔ یکی از انواع تخت پروکروستس است. ما انسان‌ها با محدودیت‌هایی در دانش خود و آنچه نمی‌بینیم، اعم از نادیدنی‌ها و ناشناخته‌ها، مواجه هستیم و این تنش را با گنجانیدن زندگی و جهان در ایده‌های شکنندهٔ بازاری، طبقه‌بندی‌های فروکاسته^۲، لغت‌نامه‌های اختصاصی و روایت‌های ازپیش‌آماده مرتفع می‌کنیم که گاه پیامدهای ویرانگری دارد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد ما از این برازش پس‌نگر^۳ بی‌اطلاعم، دقیقاً مانند خیاط‌هایی که از تحویل کت و شلوار کاملاً اندازه به مشتری‌ها به خود می‌بالند، اما این کار را تنها با جراحی و تغییر اندام‌های مشتریان خود انجام می‌دهند. به عنوان مثال، کمتر کسی می‌داند که ما مغزهای دانش‌آموزان را از طریق دارو تغییر می‌دهیم تا آن‌ها را با برنامهٔ آموزشی تطبیق دهیم، نه برعکس. [به جای اینکه سیستم آموزشی را متناسب با هر دانش‌آموز تغییر دهیم].

از آنجا که گزین‌گویی‌ها اگر تشریح شوند، فریبندگی و جذابیت خود را از دست می‌دهند، فعلاً فقط به درون‌مایهٔ اصلی این کتاب اشاره می‌کنم و بحث‌های بیشتر را به پس‌گفتار موکول می‌کنم. این گزین‌گویی‌ها هر یک تفکرات فشردهٔ مستقلاً هستند و حول ایدهٔ اصلی من در این باره می‌چرخند که ما چگونه با آنچه نمی‌دانیم برخورد می‌کنیم و چگونه باید با آن‌ها کنار بیاییم. در کتاب‌هایم «قوی سیاه» و «فریفتهٔ تصادفی بودن» عمیق‌تر به این موضوعات پرداخته‌ام.*

-
1. Pseudo-Apollodorus's Bibliotheca
 2. reductive
 3. backward fitting

* استفاده من از استعارهٔ تخت پروکروستس فقط مربوط به قرار دادن چیزی در یک قالب اشتباه نیست؛ بیشتر مربوط به عملیات معکوس تغییر دادن متغیر اشتباه است؛ در اینجا تغییر دادن شخص به جای تخت خواب. [ما نه تنها چیزها را در قالب‌های اشتباه قرار می‌دهیم، بلکه متغیرهای اشتباهی را هم تغییر می‌دهیم.] توجه داشته باشید که هرگونه شکست آنچه «خزد» می‌خوانیم (همراه با مهارت فنی) می‌تواند به یک موقعیت تخت پروکروستسی فروگاسته شود.

تذکر

گزین‌گویی‌ها با متن‌های دیگر فرق دارند. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند بیش از چهار گزین‌گویی در یک جلسه خوانده نشود. همچنین ترجیح بر این است که گزین‌گویی‌ها تصادفی انتخاب شوند.

پیش‌گفتار

آنکه بیش از همه می‌ترسید سخنش را رد کنید، خودتان هستید.

~

یک ایده وقتی جالب می‌شود که شما از نتیجه‌گیری منطقی از آن بترسید.

~

مردم به آنچه سعی می‌کنید به آن‌ها نشان دهید، در مقایسه با آنچه می‌خواهید از آن‌ها پنهان کنید، بسیار کمتر علاقه دارند.

~

شرکت‌های داروسازی در ساختن بیماری‌هایی برای داروهای موجود بهتر عمل می‌کنند، تا ساختن داروهای برای بیماری‌های موجود.

~

برای اینکه حیس‌رهایی ناشی از ریاضت‌طلبی^۱ را درک کنید، این موضوع را در نظر بگیرید که از دست دادن همه دارایی‌تان نسبت به از دست دادن فقط نیمی از آن، رنج بسیار کمتری دارد.

~

برای ورشکست کردن یک ابله، کافی است به او اطلاعات بدهید.

~

۱. Asceticism: خصوصیتی در فرد یا شیوه زندگی او مبتنی بر خودداری و چشم‌پوشی از لذت و انجام دادن فعالیت‌هایی مانند روزه گرفتن و سکوت و انزواجویی و کف نفس جسمانی.

رابطهٔ دانشگاه و دانش مانند رابطهٔ روسپی‌گری و عشق است؛ ظاهراً قدری شبیه هم‌اند، اما برای کسی که ساده‌لوح نیست، این دو دقیقاً مثل هم نیستند.*

~

در علم، لازم است که جهان را بفهمید. در کسب‌وکار لازم است که دیگران جهان را به‌درستی نفهمند.

~

من گمان می‌کنم سقراط را به مرگ محکوم کردند به این خاطر که چیزی به‌شدت ناخوشایند، دیوانه‌کننده و غیرانسانی در بسیار شفاف اندیشیدن وجود دارد.

~

آموزش رسمی آدمِ عاقل را کمی عاقل‌تر، اما آدمِ ابله را بسیار خطرناک‌تر می‌کند.

~

آزمونِ اصالتِ یک ایده، نبود یک نمونهٔ قبلی نیست، بلکه وجود چندین ایدهٔ قدیمی است که با یکدیگر ناسازگارند.

~

مکافاتِ مضاعفِ مدرنیت‌ه این است که هم ما را به پیری زودرس دچار می‌کند، هم به ما عمرِ طولانی‌تری می‌دهد.

~

فاضل کسی است که اظهار فضلش از آنچه می‌داند کمتر است؛ برعکس یک روزنامه‌نگار یا مشاور.

~

هوشمندانه‌ترین حالتِ مغزِ شما وقتی است که آن را وادار به کاری نکرده باشید؛ هر از گاهی آدم‌ها زیر دوش متوجه این موضوع می‌شوند.

~

اگر با گذشت زمان از خشم‌تان کاسته شد، شما ناعادلانه عمل کرده‌اید؛ اگر بر خشم‌تان افزوده شد، در حق‌تان ظلم شده است.

~

من کنج‌کاو می‌شوم آیا کسانی که به خاطر پاداش سخاوت طرفدار آن هستند، متوجه این تناقض می‌شوند یا آنچه آن‌ها سخاوت می‌نامند، تنها یک استراتژی سرمایه‌گذاری جذاب است.**

~

آن‌هایی که فکر می‌کنند مذهب درباره «ایمان» است، نه مذهب را درست فهمیده‌اند و نه ایمان را.

~

کار با هجوم مخفیانه به مغز شما در ساعات غیرکاری روح شما را نابود می‌کند؛ در انتخاب شغل دقت کنید.

~

در طبیعت ما هرگز یک حرکت را تکرار نمی‌کنیم؛ در بردگی (اداره، باشگاه، رفت‌وآمد و ورزش)، زندگی فقط یک آسیب استرس تکراری^۱ است. تصادفی بودن^۲ در کار نیست.

~

این بهانه که دیگران در به کار بردن عقل سلیم^۳ ناتوان هستند، خود به معنای ناتوانی در استفاده از عقل سلیم است.

~

۱. Repetitive Stress Injury (RSI) یا «آسیب فشار تکراری»: این بیماری از آسیب دیدن سیستم عضلانی اسکلتی و دستگاه عصبی ناشی می‌شود که ممکن است به علت کارهای یکنواخت، کارهای دشوار بدنی، قرار گرفتن در معرض ارتعاش‌ها، فشار یا فشردگی شدن مکانیکی یا قرار گرفتن در موقعیت‌های سخت به صورت مداوم ایجاد شود. افرادی که به دلیل شغل خود مجبورند روزانه مدت زیادی پشت کامپیوتر بنشینند، اغلب به عارضه آسیب فشار تکراری مبتلا می‌شوند. از علائم این عارضه می‌توان احساس گزگز و سوزن سوزن شدن در دست‌ها و بی‌حس شدن، درد در ناحیه گردن و شانه‌ها اشاره کرد.

2. Randomness

۳. Common Sense: در متون فلسفی فارسی زبان، برای این اصطلاح انگلیسی ترجمه و معادل‌های گوناگونی ارائه شده است که از جمله می‌توان به درک عام، عقل سلیم، حس عام، عقل مشترک، تلقی عام، قضاوت عرفی، عقل عرفی، فهم متعارف، عرف عام، و شعور معمول اشاره کرد. به طور کلی، می‌توان عقل سلیم را عبارت از آن چیزی دانست که مردم، به طور عمومی و مشترک در مورد آن توافق داشته و هم عقیده‌اند. به عبارتی، درک عام به فهم طبیعی مردمان در مورد یک موضوع اشاره می‌کند و به باورها یا گزاره‌هایی ارجاع می‌دهد که برای افراد بسیاری درست و صحیح به نظر می‌رسد، بدون آنکه نیاز به معرفتی ویژه یا دانشی خاص داشته باشد. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که درک عام نوعی قابلیت بنیادین برای موجودات عاقل است تا بدان وسیله بتوانند از تجربیات خود در تشخیص و تمایز امور واضح، برقراری ارتباط اولیه با این امور و نیز پرهیز از تناقضات آشکار در مورد آن‌ها استفاده کنند.

پیروی از منطق محدود کننده و سخت‌گیرانهٔ ارسطویی الزاماً به معنی اجتناب از تناقضات مهلک نیست.

~

علم اقتصاد نمی‌تواند این ایده را هضم کند که پیش‌بینی رفتار جمعی (و توده) از پیش‌بینی رفتار تک‌تک افراد بسیار سخت‌تر است.

~

پیش از مقایسهٔ حیوانات باغ وحش با حیوانات حیات وحش، در مورد «پیشرفت» بر حسب طول عمر، ایمنی یا راحتی صحبت نکنید.

~

اگر صبح تا حدی دقیق می‌دانید روزتان چطور می‌گذرد، شما کمی مرده‌اید؛ هر چه دقیق‌تر بدانید، بیشتر مرده‌اید.

~

بین یخ و آب هیچ حالت میانه‌ای وجود ندارد، اما بین زندگی و مرگ یک حالت وجود دارد: کارمندی.

~

وقتی بیشتر چیزهایی که شما را می‌ترسانند دارای دورنمایی و سوسه‌انگیزی از ماجراجویی هستند، شما زندگی کالیبره‌شده‌ای^۱ دارید.

~

اهمال کاری شورش روح است علیه به دام افتادگی.

~

هیچ‌کس نمی‌خواهد کاملاً روراست باشد؛ نه با دیگران و قطعاً نه با خودش.

~

۱. Calibrated: سنجیده، کالیبره‌شده، با ابزار دقیق مدرج شده یا با دقت سنجیده و تنظیم شده

دانش^۱ بدون مهملات مطلوب است و خرد بدون بزدلی، شجاعت بدون بی‌تدبیری، ریاضیات بدون خوره بودن^۲، تخصص بدون دانشگاه، هوش بدون موذی‌گری، دین‌داری بدون تعصب، متانت بدون حماقت، اجتماعی بودن بدون وابستگی، لذت بدون اعتیاد، مذهب بدون تحریف، و فراتر از همه، هیچ‌چیز بدون پوست در بازی^۱ داشتن.

* باید توضیحی اضافه کنم. استثناء همیشه وجود دارد، اما موارد زیادی هم هستند که در آن یک روسپی عاشق مشتری خود شده است.

** یک عمل سخاوتمندانه دقیقاً کاری است که هیچ پاداشی در پی نداشته باشد؛ نه مالی، نه اجتماعی، نه عاطفی. در واقع باید وظیفه‌گرا باشد (انجام دادن بی قید و شرط وظایف)، نه فایده‌گرا (به منظور دستیابی به منافع رفاه جمعی یا حتی شخصی). اقدامات "سخاوتمندانه‌ای" که "رضایت خاطر" را به دنبال دارند یا با وعده‌رهایی و رستگاری انجام می‌شوند نیز اشکالی ندارند؛ این‌ها را نباید از نظر زبان‌شناختی با اعمال وظیفه‌گرایانه که تجلی احساس ناپ‌وظیفه‌شناسی هستند، یکی دانست.

۱. Erudition: فضل و دانش نشانه کنجکاوای اصیل متفکرانه است. فضل و دانش با ذهن باز و میل به دریافت اندیشه‌های دیگران همراه است. از همه بالاتر، شخص فاضل می‌تواند از دانش خودش ناخرسند باشد و این سپر ارزشمندی در برابر افلاطون‌زدگی، آسان‌سازی‌های مدیر پنج دقیقه‌ای یا بی‌فرهنگی درس‌خوانده‌های ابرمتخصص است. در واقع تحصیلات بدون فضل می‌تواند به فاجعه ختم شود. (به نقل از کتاب قوی سیاه)

۲. Nerddiness: به کسانی nerd گفته می‌شود که گوشه‌گیرند و در برقراری تعاملات اجتماعی ضعف دارند و دست و پا چلفتی هستند و به شکلی وسواس‌گونه دانشی چون تاریخ، ریاضی، کامپیوتر، زیست‌شناسی یا... را دنبال می‌کنند.

۱. skin in the game نام یکی از کتاب‌های دیگر نسیم طالب است. پوست در بازی به مسئله نبود تقارن در ریسک و مسئولیت اشاره دارد و اصطلاحی برای "در سود و زیان کاری شریک بودن" است، به عبارت دیگر در کار باید پای خودت هم گیر باشد.

پاد روایت‌ها

مردم خوششان نمی‌آید از آن‌ها کمک بخواهید، اما اگر از آن‌ها کمک نخواهید هم احساس می‌کنند آن‌ها را کنار گذاشته‌اید.

~

بهترین انتقام از یک دروغ‌گو این است که او را متقاعد کنید حرفش را باور کرده‌اید.

~

هنگامی که می‌خواهیم کاری انجام دهیم و ناخودآگاه از شکست آن مطمئنیم، از دیگران خواهش می‌کنیم توصیه‌ای به ما کنند تا بتوانیم شخص دیگری را برای آن شکست سرزنش کنیم.

~

فرانسه الجزایر را با این انتظار تسخیر کرد که یک ملت آبگوشت کارسوت^۱ بخورند، اما اکنون فرانسوی‌ها در حال خوردن کوسکوس^۲ هستند.

~

نه گفتن، وقتی واقعاً قصد نه گفتن دارید، سخت‌تر از زمانی است که واقعاً قصدش را ندارید.

~

اگر در پاسخ منفی خود جدی هستید، هرگز "نه" را دو بار نگویید.

~

۱. Cassoulet: غذای سنتی فرانسوی با گوشت اردک یا غاز و لوبیا سفید
۲. Couscous: بلغور عربی، قوت غالب کشورهای عربی و شمال آفریقا

ما تمایل داریم بی ادبی را بیشتر با موقعیت اجتماعی مخاطب آن تعریف کنیم تا کلمات به کار رفته.

~

شهرت و آبروی شما بیش از همه با سخنانتان در جهت دفاع از آن به خطر می افتد.

~

تنها تعریف عینی از پیر شدن این است که فرد شروع به سخن گفتن از پیری می کند.

~

مردم به موفقیت، ثروت، هوش، ظاهر یا موقعیت اجتماعی شما حسادت می کنند، اما به ندرت به عقل و شعورشان حسد می وازرند.

~

بیشتر آنچه مردم فروتنی می خوانند، موفقیت در پنهان کردن خودبینی و تکبر است.

~

تفاوت عمده میان شغل و اوقات فراغت با نام گذاری تعیین می شود.

~

اگر می خواهید مردم کتابی را بخوانند، به آن ها بگویید که در تعریف از آن مبالغه شده است.

~

هرگز در بحثی پیروز نمی شوید، مگر اینکه به شخص مورد علاقه شما حمله کنند.

~

برای رباکار مدرن "احترام" چیزی جز ترس از قدرتمندان نیست.

~

هیچ چیز از توافقات، کمبودها، آتش بس ها و رابطه های "موقت" دائمی تر نیست. هیچ چیزی هم از توافقات، کمبودها، آتش بس ها و رابطه های "دائمی" موقتی تر نیست.

~

اولین کسی که از "اما" استفاده کند بحث را باخته است.

~

دردناک‌ترین لحظه‌ها آن‌هایی نیستند که ما با آدم‌های کسل‌کننده سر می‌کنیم، بلکه لحظه‌هایی هستند که با آدم‌های کسل‌کننده‌ای سر می‌کنیم که سخت تلاش می‌کنند جالب توجه به نظر برسند.

~

نفرت همان عشق است که اِملای آن در یک قسمتی از کدهای کامپیوتری‌اش اشتباه نوشته شده است. قابل‌تصحیح است، اما پیدا کردنش بسیار دشوار.

~

بیشتر اشتباه‌ها با تلاش برای تصحیح آن‌ها بدتر می‌شوند.

~

نمی‌دانم یک دشمن سرسخت وقتی بفهمد من از شخص دیگری متنفرم، احساس حسادت می‌کند یا نه؟

~

دلیل اصلی رفتن به دانشگاه این است که بیاموزیم چگونه مثل یک استاد فکر نکنیم.

~

ویژگی بارز بازندگان این است که برای همه‌چیز افسوس می‌خورند، از نقص‌های نوع بشر گرفته تا سوگیری‌ها، تضادها و بی‌خردی‌ها؛ بی آنکه به آن‌ها بخندند یا از آن‌ها عبرت بگیرند.

~

آزمون اینکه شما یک کتاب را واقعاً دوست دارید یا نه این است که آیا آن را دوباره می‌خوانید (و چند بار)؛ آزمون اینکه شما مصاحبت با شخصی را واقعاً دوست دارید یا نه این است که آیا حاضرید او را بارها و بارها ملاقات کنید؛ بقیه حرف‌ها یا تعبیر شخصی است یا از آن نوع نقطه‌نظرهای احساساتی که امروزه عزت نفس نامیده می‌شوند.

~

اگر کسی تلاش می‌کند تا شما را نادیده بگیرد، نتوانسته است شما را نادیده بگیرد.

~

می پرسیم «چرا او پولدار (یا بی پول) است؟» نمی پرسیم «چرا پولدارتر (یا بی پول تر) نیست؟»؛
می پرسیم «چرا این بحران این قدر شدید است؟» نمی پرسیم «چرا شدیدتر نیست؟»

~

یکی از دسیسه‌های زندگی این است که عده‌ای را هم‌زمان ناشاد و ثروتمند می‌کند.
تلاقی این دو با هم باعث شکنندگی می‌شود و ناامیدکننده است.

~

تظاهر به نفرت سخت‌تر از تظاهر به عشق است. حتماً درباره‌ی عشق دروغین شنیده‌اید،
اما درباره‌ی نفرت دروغین، هرگز.

~

گاهی مردم از شما سؤالی می‌پرسند، در حالی که با چشمان‌شان به شما التماس
می‌کنند حقیقت را به آن‌ها نگویند.

~

مقابل مردانگی نامردی نیست، تکنولوژی است.

~

معمولاً، یک "شنونده‌ی خوب" فردی است که ماهرانه بی‌تفاوتی‌اش را پنهان می‌کند.

~

در دعاهایتان عبارت «از ما در مقابل شیطان محافظت بفرما» را با این عبارت جایگزین
کنید: «ما را از کسانی حفظ بفرما که چیزها را به خاطر دستمزد بهبود می‌بخشند.»

~

وجود تناقض است که آدم‌ها را جذاب می‌کند، نه نبود آن.

~

شما ایمیل‌هایی را که فرستاده و پاسخی برایشان دریافت نکرده‌اید، نسبت به
ایمیل‌هایی که خودتان به آن‌ها جوابی نداده‌اید، بهتر به خاطر می‌آورید.

~

هرگز نقد کتابی را نخوانید که نویسنده‌ی آن را نوشته است که کتاب‌هایش را نمی‌خوانید.

~

مردم تعریف‌های مرسوم را به کسانی می‌گویند که غرور آن‌ها را تهدید نمی‌کنند؛ از بقیه اغلب با کلمات "متکبر و گستاخ" تمجید می‌کنند.

~

این رؤیا که کامپیوترها مانند انسان‌ها رفتار کنند در حال تحقق است؛ آن هم فقط طی یک نسل و با تبدیل شدن انسان به کامپیوتر.

~

از زمان کاتوی بزرگ^۱، نوع خاصی از بلوغ رواج یافت؛ وقتی فردی شروع می‌کند به سرزنش نسل جدید به خاطر "سطحی‌نگری‌اش" و ستایش نسل قبل به خاطر "ارزش‌هایش".

~

تقریباً همهٔ کسانی که مشخص می‌شود یک اشتباه منطقی از آن‌ها سرزده است، آن را یک "اختلاف" تفسیر می‌کنند.

~

اجتناب از آزردن دیگران با توصیه به چگونه ورزش کردن و سایر مباحث سلامتی، به اندازهٔ پای‌بند ماندن به یک برنامهٔ ورزشی سخت است.

~

با تمجید از فردی به خاطر بی‌عیب و نقص بودنش، شما به صورت ضمنی به بی‌فضیلت بودن او هم اشاره می‌کنید.

~

اگر عوضی‌های قدرتمند شما را "متکبر و گستاخ" نمی‌دانند، به این معنی است که اشکالی در کار شما وجود دارد.

~

وقتی زنی فریاد می‌زند کاری که شما انجام داده‌اید قابل بخشیدن نیست، او پیشاپیش شروع کرده است به بخشیدن شما.

~

۱. Marcus Porcius Cato: مارکوس پورسیوس کاتو فرماندهٔ لشکر، تاریخ‌نویس، سیاستمدار و نویسندهٔ رومی در قرن دوم پیش از میلاد است.

خیال باف نبودن فقط وقتی ددرسراز است که به راحتی حوصله شما سر برود.

~

مردم وقتی می فهمند کسی که او را احق می پنداشتند در حقیقت از خودشان باهوش تر است، عمیقاً مضطرب می شوند.

~

ما کسانی را خودشیفته می نامیم که طوری رفتار می کنند گویی جهان بر محور ایشان می چرخد. اما کسانی که دقیقاً همین رفتار را در یک گروه دو نفره انجام می دهند، عاشقان یا بهتر از آن "عاشقان خوشبخت" می نامیم.

~

رفاقتی که به آخر می رسد از ابتدا رفاقت نبوده است؛ دست کم یکی از طرفین ساده لوح^۱ بوده است.

~

بیشتر مردم از نداشتن محرک های دیداری-شنیداری می ترسند، زیرا وقتی قرار باشد خودشان به همه چیز فکر کنند و همه چیز را تجسم کنند، خیلی تکراری می شوند.

~

وقتی کسی می نویسد «من از شما خوشم نمی آید، اما با شما موافقم»، من این طور می خوانم «من از شما خوشم نمی آید، چون با شما موافقم».

~

نفرت یک طرفه بسیار بیشتر از عشق یک طرفه برای انسان زیان بخش است، زیرا نمی توان از طریق تلافی کردن واکنش نشان داد.

~

حکومتی که اعلام می کند «ما در مقابل جنایات [دیکتاتور خارجی XYZ] دست روی دست نخواهیم گذاشت» معمولاً سعی دارد گناه دست روی دست گذاشتن خود را در مقابل جنایات های بیشتری که همان XYZ مرتکب شده است به نحوی کوچک بشمرد.

~

۱. Sucker: اصطلاحی عامیانه برای کسی که آن قدر ساده لوح است که گرفتار یک شوخی یا کلاه برداری بسیار آشکار می شود و از آن بی خبر است. هالو، ابله، شیفته یا دیوانه چیزی بودن، گشته مرده چیزی بودن.

برای افراد دل‌رحم، هر غمی به‌زودی جای خود را نه به شادی بلکه به غمی دیگر می‌دهد.

~

خرد در جوانان به همان اندازه ناخوشایند است که سبک‌سری در پیران.

~

بعضی آدم‌ها فقط وقتی بانمک هستند که سعی می‌کنند جدی باشند.

~

در گفت‌وگو دشوار است که جلوی تکانه^۱ برملا کردن رازها را بگیرید، گویی اطلاعات هم میل به زنده ماندن و هم قدرت تکثیر دارند.

~

یک شگرد بسیار قدرتمند این است که به دیگران اجازه دهیم در جنگ‌های کوچک برنده شوند.

~

اگر می‌خواهید غریبه‌ها به شما کمک کنند، به آن‌ها لبخند بزنید و اگر می‌خواهید نزدیکانتان به شما کمک کنند، در مقابل آن‌ها گریه کنید.

۱. Impuls: در روان‌شناسی "تکانه" یا "تکانش" به معنای یک میل شدید لحظه‌ای است که در پاسخ به یک محرک ذهنی یا انگیزاننده خارجی در فرد شکل می‌گیرد.

موضوعات هستی‌شناسانه

زندگی بیشتر دربارهٔ عمل کردن است تا اراده داشتن.

~

اگر به راحتی حوصله‌تان سر می‌رود، به این معنی است که حسگر چرندیاب^۱ شما به درستی کار می‌کند، اگر (بعضی) چیزهایی را فراموش می‌کنید، به این معنی است که ذهن شما می‌داند چگونه فیلتر کند و اگر غمی احساس می‌کنید، به این معنی است که شما انسان هستید.

~

اینکه "نادیده‌ها" با "ناموجودها" اشتباه گرفته شوند یک بیماری بسیار جدید است، اما برخی به بیماری بدتری دچار شده‌اند؛ اشتباه گرفتن "نادیده‌ها" با "نادیدنی‌ها".

~

ما نیاز داریم دست‌کم یک بار در روز احساس کنیم که کمی در جایی گم شده‌ایم، چه به صورت فیزیکی و چه به صورت ذهنی.

~

۱. Bullshit (BS) Detector: یک دستگاه ذهنی فرضی که نشان می‌دهد فرد توانایی تشخیص نیرنگ‌ها، تقلب‌ها، فساد، کلاه‌برداری، نبود صمیمیت، دورویی و ناراستی (خیانت) را در دیگران دارد. فردی که به چرندیاب درونی مجهز است معمولاً می‌فهمد چه زمانی یک نفر دیگر دروغ می‌گوید یا ادعای نادرستی می‌کند. این افراد به راحتی گول نمی‌خورند، به‌زور وادار به کاری نمی‌شوند، دروغ را نمی‌پذیرند، حقه و کلک نمی‌خورند و آلت دست کسی نمی‌شوند چرا که "چرندیاب" آن‌ها ایشان را از قربانی شدن در چنین موقعیت‌هایی برحذر می‌دارد. این افراد همچنین اغلب کمی عیب‌جو و غرغرو، خیلی حساس و باهوش، کلان‌نگر، زیرک و تیز هستند.

بالاترین حد آزادی این است که لازم نباشد دلیل انجام دادن کاری را توضیح بدهید.

~

اینکه از علم انتظار داشته باشید زندگی و مسائل حیاتی را توضیح دهد، دقیقاً مثل این است که از یک متخصص دستور زبان بخواهید شعر را شرح دهد.

~

زندگی خوب شبیه خواندن یک رمان روسی است؛ برای اینکه بتوانید لذت بردن از آن را آغاز کنید باید ابتدا دویست صفحه با شخصیت‌ها کلنجار بروید، بعد تازه آشفتگی معنا پیدا می‌کند.

~

اگر تلاش کنید اوقات خوبی داشته باشید، امکان ندارد موفق شوید.

~

شما وجود دارید اگر و تنها اگر بتوانید کارهایی را آزادانه و بدون هدف مشخصی، بدون هیچ توجیهی و مهم‌تر از این‌ها، خارج از دیکتاتورِ روایتِ فردی دیگر انجام دهید.

~

اتوماسیون فعالیت‌هایی را که در حالت عادی خوشایند هستند به "شغل" تبدیل می‌کند.

~

اینکه فکر کنید همهٔ آدم‌ها علایقِ "خودخواهانه" خود را دنبال می‌کنند معادل این است که فرض کنید همهٔ متغیرهای تصادفی کوواریانسی برابر صفر داشته باشند.

~

برای اینکه زندگی واقعاً مفرح باشد، آنچه موجب ترس شما می‌شود باید توأم شود با آنچه آرزویش را دارید.